

مهر و شیفتگی به راستی در ایران باستان

نوشته: پورفسور استنلی اینسلر
از دانشگاه ییل آمریکا

برگردان آزاد: دکتر کوروش بهی زاده

هرودت تاریخ نویس نامدار یونانی که در دوره داریوش بزرگ پادشاه ایران باستان می زیسته می نویسد که ایرانیان بیش از هر چیز دیگر به "راستی" ارج می گذاشتند و حتی در باره چیزهایی که وارون (غیر) قانون سرزمین است را ناشایست می دانستند و در نگر آنها زشتترین چیز در جهان دروغ گفتن است.

این مهرورزی و شیفتگی به "راستی" در میان ایرانیان باستان یکی از بزرگترین ویژگیهای آنها بود و خارجیهایی که به این سرزمین آمده و یا بین آنجا زندگی کرده همه تحت تاثیر مهر ایرانیان به "راستی" قرار گرفته اند. با گذشت زمان و در سده های بعدی یونانیان، هندوها و تازیها (عربها) و چینی ها در نوشته های خود بارها از مهر ایرانیان به راستی یاد کرده اند و آنرا مهمترین ویژگی ایرانیان دانسته اند.

آنچه که خارجیهایی در این زمینه نوشته اند داستان و افسانه یا خیالبافی نبوده که از کمبود موجودیهای اخلاقی آنها ریشه گرفته باشد بلکه بدرستی نشان دهنده پاسداری ایرانیان از راستی است.

در سنگ نوشته های ایران باستان بیش از 1500 نام دیده می شود که نام پادشاهان شاهزادگان کیش بانان و داوران (قضات) بلند پایه نیستند بلکه نام دبیران و کارمندی بوده که به آب انبارهای کشور رسیدگی میکردند. نگاه به فهرست این نامها که از بایگانی کهن شهرها و دهات بدست آمده روشنگر چگونگی و وضعیت اجتماعی توده مردم است و ما را از آرایش و منش جامعه های نخستین آگاه می سازد.

بیش از 75 در صد این نامها در بردارنده واژه راستی است. نامهایی مانند پاسدار راستی (arta pana)، دوستدار راستی (arta kama)، راست اندیشی (artamana)، دارای سربلندی راستی (artafaranah)، لذت در راستی (artazusta)، پایه و ستون راستی (artastuna)، کامیابی راستی (artafrida)، والایی و پاک نژادی راستی (artahunara) و دیگر واژه های همسان اینها.

اگر کمی بیشتر بنگریم در کنار این نامها به نامهای دیگری چون اسب نیرومند (aspaugra)، بوی شیرین (hubaodi)، قهرمان کوچک (viraka)، سرشناس خوشنام (usavah)، برنده جایزه خوب (humizada) برمیخوریم.

اگر بپذیریم که نامهایی که در بردارنده ویژه گیهای چون سرشناس بودن، دلاوری، دارایی، توانگری، جایزه و خوشبختی اند و پدرمادرها آرزویش را برای نوزادانشان به هنگام دنیا آمدن داشته اند، دیگر برایمان آشکار می شود که پدرمادرها بسیار زیادی که نامهای در بردارنده راستی را بر فرزندانیشان گذاشته اند بر این باور بودند که بهتر است فرزندانیشان "دوستدار راستی"، "لذت راستی"، "سربلندی از راستی" و "پیروزی از راستی" باشند تا

برایشان آرزومند خواسته های مادی دنیا باشند. به گفته دیگر نامهایی که پدر و مادرها برای فرزندانشان می گزیدند بیشتر بیا نگر آرزوی آنها است. برتری و پرشمار بودن نامهای دبیران و کارمندان ایران باستان که در بردارنده راستی هستند نمایا نگر آرزوی برقراری راستی و ارج گذاشتن به آن است که حتی بین خانوادههای فروتن و فرودست دیده می شود.

ولی این شیفتگی به راستی تنها بین توده مردم (عامه) نبود بلکه هرودت می نویسد که :

پادشاهان هخامنشی راستی را دوست میداشتند و از دروغ و فریب بیزار بودند. در سنگ نوشته بزرگ بیستون گفته های داریوش بزرگ پادشاه ایران باستان کنده کاری شده که:

دروغ این سرزمین را نا فرمان و سرکش کرد تا مردم را بفریب اند. سپس اهورامزدا آنها را به من سپرد ای آنکه پس از من شاه خواهی شد با تمام نیرو و توان خود از دروغ و فریب پرهیز. اگر آرزوی آرامش و رفاه این سرزمین را داری، دروغگو و فریبکار را به سختی کیفر کن. بدان که من به خواست اهورامزدا اینکار را کردم. اهورامزدا به من یاری کرد چون هیچگاه بیهوده به کسی یا سرزمینی نتازیدم، چون من و خا نواده ام هرگز دروغگو و فریبگر نبودیم. من همواره پشتیبان و هوادار راستی بودم. نه به مردم ناتوان بد کردم، و نه به توانای پرزور. همیشه کردارم استوار بر راستی بود. تو که پس از من شاه می شوی، دوست بدکاران نباش و آنها را سخت کیفر کن .

ما در یکی دیگر از سنگ نوشته های داریوش شاه می بینیم:

بیاری اهورامزدا، من از چیزی که راست و درست است شاد و از چیزی که نادرست است ناشادم. این آرزوی من نیست که فرودست و ناتوان از سوی توانا و نیرومند آزار ببیند. همچنین نمی خواهم که یک ناتوان با یک فرد نیرومند به نادرستی رفتار کند. راستی و درستی آرزو و خواسته من است.

و خشیار شاه بزرگ در سنگ نوشته خود میگوید:

اگر آرزوی شاد زیستن را داری و اگر آمرزش پس از مرگ را می خواهی، شایسته است که به قانونهای اهورایی این سرزمین ارج نهی، اهورا مزدا را ستایش کنی و هوادار راستی و درستی باشی. چنین کسی در زندگی خرسند و پس از مرگ آمرزیده است.

گرچه این نوشتارهای کندهکاری شده از پادشاهان ایران باستان می باشد، ولی اینها بازتاب آموزشها و اندیشه های پیامبر ایران اشوزرتشت است. در گاتها که سرودهای خود زرتشت است، ما به اندیشه گرانقدر او آشنا می شویم که:

سزوار است که هر فردی، چه تهی دست و کم نوا و چه دارا و توانا، یارویاور درستکاران باشد و دشمن پیروان دروغ و فریب. یسنا 7-47

همینطور ما یاد می گیریم که بی مرگی و رسایی برای کسانی است که یاور راستی و راستگویان این جهان اند و زندگی بی آرامش و تاریک برای کسانی است که پیرو دروغ و فریب اند. زرتشت میآموزد که:

کسانی که با راستگویان خوب و یار و همکار اهورامزدا هستند، خودشان به راستی و اندیشه نیک دست می یابند و فامیل ده، شهر و کشورشان را از خرابی می رهانند.

اگر سرودهای زرتشت را بخوانیم و به آن بیندیشیم درمی یابیم که راستی پایه ی بنیادین آیین خردگرایی اوست. پس شایسته است که به بررسی کوتاهی از نقش راستی از دیدگاه زرتشت بپردازیم.

از نگر زرتشت، اهورا مزدا نه تنها خود در فراز راستی، و در راههایی که به راستی می انجامد هست، بلکه او خودش راست سرشت (ذات) است. زرتشت اهورامزدا را آفریننده و همدم راستی خوانده و می گوید که روان خداوند (سپنتامینو) خود با بهره گیری از راستی، سود رسان و پرهیز کار شد و بیاری راستی او موخت که داد و سزا (عدل) را از ناسزا (بی عدالتی) باز شناسد. برای زرتشت راستی مهمترین بخش سرشت و گوهر (ذات) خداست، چون راستی او را به آفرینش چیزهای سودرسان و خوب برانگیخت و برای راستی بود که خداوند به خردمندی و دانایی برتر دست می یابد. نام خدای زرتشت، اهورامزدا نمایانگر خرد و دانایی برتر این هستی بخش است. خدایی که خرد را برتر از هر پدیده‌های در ساختار دنیا جاداده.

همچنین راستی در زندگی انسان نقش مهمی دارد. با بهره گیری از راستی است که آفریده گان به رسایی می رسند. با جویش راستی است که شناخت نیک و خرد در روان انسان جان می گیرد، خردی که به او می آموزد که با اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک جهان را پیش برد و خوب و بد را از هم باز شناسد. و این پشتیبانی از راستی است که به بودن خدا آرش (مفهوم) داده، به انسان نیرو و بردباری می بخشد.

یکی از بلند پایه ترین ارمغان زرتشت بزرگ، قراردادن راستی در مرکز هستی خدا و انسان است. او بما می آموزد که بدون راستی زندگی ناموزون است، چون این راستی است که سرچشمه بینش نیک، کردار نیک، فهم درست و پیروزی است. این نگرش و باور برای آن زمان بسیار شگفت آور بود ولی آنچنان پر نیرو و اندیشه برانگیز بود که پایه و بن مایه ایران باستان بر آن پی ریزی شد. هرگز نمی توان به تاریخ ایران اندیشید بدون اینکه از شیفتگی و بزرگداشت مردمش به راستی یاد کرد، و این اشوزرتشت بود که برای نخستین بار نقش بنیادین راستی را در همه هستی، با آموزش آیینش بما شناساند.

این پرسش پیش می آید که چرا زرتشت اینقدر شیفته نقش راستی در زندگی انسان و خدا بود. مگر نه اینکه زرتشت در زمانی می زیست که هنوز مردمان شهر نشین نشده بودند. زمانی بسیار پیشتر از آنکه فرما نروایان بزرگ، کیشبانان و فرزنانگان (فلاسفه) در آسودگی و آرامش، پیرامون خدا و انسان و هستی گفت و شنود کنند. باید به سرودهای خود زرتشت بنگریم تا با آشنایی به دشواریهایی که زرتشت را برانگیخت تا به سرشت انسان و بازتاب کردارش بر زندگی دیگران بیاندیشد، سر نخی برای پاسخ به این پرسش بیابیم.

نخست زرتشت بما می گوید که گروهی از نجیب زادگان دارایی دیگران را می دزدیدند و کیشبانان پر از (حریص) و فریبگر آنها را در این کار نادرست یاری میدادند. حتی خدایان قدیم هم به پیروانشان این پروانه (اجازه) را داده بودند. کشتزارهای درستکاران را این نابکاران ویران می کردند و جان آنها را می گرفتند. مردم بجان هم افتاده بودند. در خانواده ده و استان آرامش نبود. فریب و ویرانگری بالا گرفته بود و جهان در کشمکش ناسازگاری خوب و بد می

سوخت. زرتشت با بینش برترش از دیدن همین کشمکش ها بین نیروی خوب و بد که در زندگی روزمره اش بود به این اندیشید که چه چیزی خوب و درست است و چه چیزی بد و نادرست. چه چیز داد و (عدل) است و چه چیزی ستم. راه رهایی چیست و درست در این چگونگی (شرایط) آزار دهنده زندگی بود که زرتشت راه رهایی انسان و برقراری شهریاری اهورایی را هر دو در پیروی از آیینی که اهورا مزدا با خرد برتر خود بر پایه راستی آفریده می بیند.

با اینکه از زمان زرتشت قرن‌ها گذشته، اما دشواریهای انسانها هنوز پابرجاست. کشمکش های روزانه در خانواده، در کار، در کشور و در دنیا ما را آزار می دهد. فریب کاری، دزدی و ویرانگری بیهوده را در سراسر کره زمین می بینیم. از خود می پرسیم که چه راهی برای رهایی از این اندوه و نگرانی هست و در جستجوی راه و رهنما هستیم. می پرسیم که به چه باید باور داشت؟ گاهی راه چاره از ما برمی آید، ولی بیشتر ما به تنهایی توانایی گره گشایی را نداریم. با این وجود شایسته است که به پیروی از آموزشهای زرتشت با اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک خودمان در این جهان به راستی هستی (تحقق) بخشیم. حتی اگر نمی توانیم مشکل گشا باشیم، درستکار باشیم چون راستی باید پایدار بماند. بی شک در آینده راستی پیروز می شود.

بدینگونه در فرجام، می خواهم سخنان زرتشت را به گفته خودم بازگو کنم. سخنانی که بیش از 3000 سال پیش سرود شدند ولی هماهنگ و در خور امروزند.

پایداری کنید، چون اهورامزدا شالوده ای استوار از نیک اندیشی، خرد و راستی را به شما ارزانی می دارد. با رایزنی (مشورت) از خرد خود بهترین راستی و پاکي و پارسایی را بجا آورید. اگر راستگو باشید، اهورامزدا، جاودان پاداش درخشان منش نیک را به شما ارمغان می دارد. گفته های مرا بیاد بسپارید. از راه شناخت درست است که می توانید زندگی ای پر از منش نیک را برای خود و مردم بدست آورید. بکوشید که هریک از شما در راستی از دیگران پیشی جویند. این خود مایه رستگاری و شادمانیست، و پاداش مینوی در این است.

یسنا 5:3-53

استنلی اینسلر (Stanley Insler): پرفسور سالیزبری سانسکریت و زبان شناسی در دانشگاه ییل می باشد که در آنجا چندین بار در مقام رئیس دانشگاه زبان شناسی خدمت کرده. او نوشته های زیادی در باره هند و ایران باستان دارد. با ارزشترین اثر پرفسور اینسلر برگردان و تفسیر سرودهای مینوی زرتشت است که بسال 1975 انتشار یافته است و هم اکنون در حال بازنگری است. در کنار کارهای دانشگاهی او سخنرانیهای بسیاری در باره زرتشت در هندوستان بریتانیا و امریکا داشته است. او عضو بسیاری از سازمانها از جمله آکادمی آمریکایی هنر و دانش می باشد.

کوروش بهی زاده: درجه دانشوری خود را در رابطه با مهندسی ماشین سازی در آلمان دریافت نموده و استاد دانشگاه کرمان بخش مکانیک می باشد. او که دلداده راستی و افکار سترک زرتشت است، تاکنون پژوهش هایی در این زمینه داشته و مقالاتی نیز نوشته که در نشریات داخلی به چاپ رسیده است. آخرین پژوهش او در رابطه با " بازنگری آد یسه زرتشتیان " می باشد که در کالج زرتشتیان هندوستان ارائه شده است و درجه دکترای آن کالج را به خود اختصاص داده است.